

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۹۵/۸۳۹ رده بندی کنفرانس: ب ۵۰۳/۲

قوای عمومی و روابط میان آنها در قانون اساسی

امین حسنونند

دانش آموخته دانشکده حقوق دانشگاه امام حسین (علیه السلام)

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۵۷، قوای عمومی و به اصطلاح قوای حکومتی را معرفی و زیر نظر ولایت مطلقه امر به رسمیت می شناسد با استناد به اصل تفکیک قوا، اصل بر جداسازی و انفکاک قوانین حکومتی است که توزیع عادلانه قدرت را تزیق می نماید فلسفه اصل تفکیک، کنترل قدرت است و هر یک از این قوای عمومی وظایف خاص خود را اجرا می کنند اما ممکن است بین آنها ارتباط موضوعی در خصوص سازمان و تشکیلات وجود داشته باشد یا در صلاحیت قوا تعارضی حاصل گردد. این نوشتار بر آن است ضمن تبیین و تشریح مسئولیت قوای سه گانه و رئیس جمهور به جایگاه و تداخل و هماهنگی میان مجلس، دولت و قضاییه با لحاظ بازنگری قانون اساسی برابر بند ۷ اصل ۱۱۰ به تنظیم روابط قوا می پردازد.

واژگان کلیدی: حکومت، جایگاه قوا، قانون اساسی، تفکیک قوا، تعامل

بخش اول: کلیات

در نظام جمهوری اسلامی ایران نظام ریاستی از آن جهت که رئیس جمهور مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شود و نظام پارلمانی از آن جهت که اعضا دولت (وزرا) از طرف رئیس جمهور پیشنهاد و مورد تأیید مجلس قرار می‌گیرد حاکم است.^۱ «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در آن قانون مستقیماً برعهده‌ی رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزرا ست»^۲ برابر اصل ۱۳۴ قانون اساسی رئیس جمهور ریاست هیئت وزیران را داراست اینک نظام جمهوری اسلامی ایران دو رکنی (رهبری و ریاست جمهوری) است و کلیه سازمان‌ها و امور اجرایی (کشوری و لشکری) ناشی از این ارکان هستند. با این تفاسیر مقدمتاً جایگاه قوه مجریه در قانون اساسی به نوعی رویت شد دولت یا قوه مجریه در مفهوم مسیحایی ضامن اجرای عدالت الهی است نه متضمن مطلق در حقوق اساسی تطبیقی نمایندگان فرقه‌های مسیحی مبنای رابطه دولت و مردم را چنین توصیف کردند:

«خدای سبحان منبع عدالت است پس ما دولت را منبع عالی قاتون نمی‌دانیم، دولت ضامن قانون است و نه حاکم بر آن.

بند اول: مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی

مستند و زمینه اولیه سپردن مسئولیت اجرای قانون اساسی به رئیس جمهور را می‌توان به اصل ۷۵ پیش نویس قانون اساسی انتساب داد که وی را بالاترین مقام رسمی کشور پیش بینی شده بود در یک نظارت تطبیقی، به نظر می‌رسد که اصل مذکور مقتبس از ماده ۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه باشد که اعلام می‌دارد:

^۱ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، زمستان ۱۳۷۸، ص ۲۶۷.

^۲ - ۲ اصل ۶۰ قانون اساسی.

«رئیس جمهور مراقب اجرای قانون اساسی است»^۱

اما بعد از تصویب اصل ۱۱۳ رئیس جمهور (بعد از مقام رهبری) عالیت‌ترین مقام رسمی کشور است به این ترتیب و با توجه به مقام عالی رهبری، نمی‌توان وی را مسئول تمام عیار قانون اساسی دانست و اجرای تمام قانون را متوقع بود با این وجود، برای این مسئولیت دلایل توجیهی قابل قبولی وجود دارد:

۱- نماینده منتخب و مستقیم مردم و یکی از مظاهر برجسته حاکمیت ملی است.^۲

۲- عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری است.^۳

۳. مورد تأیید مقام رهبری است.^۴

۴. رئیس قوه مجریه است.^۵

به این ترتیب پس از رهبری، رئیس جمهور مناسب‌ترین مقام برای ایفای مسئولیت اجرای قانون اساسی است در اجرای اصل مذکوره فصل دوم (مواد ۱۳ تا ۱۶) قانون تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهوری مقرراتی را مصوب کرده است:

۱- به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در جرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، سازماندهی، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی است.

^۱ - Art de la constitution Française 6958

۲- اصل ۱۱۴ قانون اساسی

۳- اصل ۱۱۳ قانون اساسی

۴- اصل ۱۱۰ قانون اساسی

۵- اصل ۱۳۳ قانون اساسی

۲. در صورت نقض و تخلف و عدم اجرای قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند به نحوی که خود مقتضی بداند از طریق اخطار، تعقیب و ارجاع پرونده متخلفین به محاکم قضایی اقدام کند.^۳ در صورت مشاهده تخلف از قانون آسیا، قانونگذار حق هشدار و اخطاری به قوای سه‌گانه را برای رئیس جمهور قایل است.

ب. مسئولیت رئیس جمهور در اجرای بازنگری قانون اساسی

قانون اساسی رئیس جمهور را مخاطب رهبری برای قبول مسئولیت اجرای بازنگری مقرر داشته است. مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا تقسیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید رئیس جمهور همدریف سایر اعضا، در امر بازنگری مشارکت دارد. رئیس جمهور مسئولیت اصلی بررسی و بازنگری اصول اصلاحی یا پیشنهاد شده از طرف مقام رهبری برعهده دارد.^۱ مسئولیت‌های رئیس جمهور در اجرای بازنگری به شرح زیر است:

۱. دعوت اعضا، تشکیل شورا و اعلام موارد پیشنهادی مقام رهبری بعنوان دستور.
۲. عضویت در شورای بازنگری و مشارکت در امر بازنگری
۳. تقدیم مصوبات شورا به مقام رهبری برای امضاء و تأیید
۴. دستور برگزاری همه‌پرسی به وزیر کشور پس از تأیید مصوبات شورا
۵. امضاء نتیجه همه‌پرسی و ابلاغ آن برای اطلاع عموم واجرا

ج. مسئولیت سیاسی رئیس جمهور

۱. مسئولیت مطلق سیاسی: فزون بر مسئولیت‌های رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و بازنگری در آن که مورد بحث واقع شد ریاست جمهوری در کنار اعضای قوه مجریه

^۱ - اصل ۱۷۷ قانون اساسی

مسئولیت سیاسی دارد. برابر اصل ۱۳۴ قانون اساسی رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات جمعی وزیران می باشد که بعنوان رئیس دولت در مقابل مجلس باید مدافع پاسخگو باشد. «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که بموجب قانون اساسی و یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر.... مجلس شورای اسلامی مسئول است.»^۱ به این ترتیب، رئیس جمهور نه تنها بعنوان رئیس دولت بلکه در قبال تمام وظایف و اختیاراتی که قانون به او محول کرده است در برابر مجلس مسئولیت دارد این مسئولیت ربطی به ریاست وی ندارد و ظاهراً شامل وظایف خاص ریاست جمهوری است.

۲. مسئولیت مالی: از آنجایی که رئیس جمهور از طریق همکاران دولت خود خزانه دار مالی کشور است و بودجه دولت و بسیاری از اموال و درایی عامه در اختیار او قرار داده ست برای رعایت اصل احتیاط و به منظور احتراز سوء استفاده و استفاده مالی و احتمالی قانون اساسی مقرر می دارد که دارایی این مقام و خانواده وی، همانند سایر مقامات عالی دولتی توسط رئیس قوه قضاییه، باید قبل و بعد از تصدی، مورد رسیدگی قرار می گیرد که برخلاف حق افزایش نیافته باشد.^۲

۳. مسئولیت کیفری: اگر رئیس جمهور، بعنوان مقام عالی کشور، در انجام وظایف سیاسی و اجرایی خود مرتکب اعمالی می گردد که به آزادی و حقوق مردم لطمه می زند علاوه بر آنکه از نظر سیاسی باب مسئولیت وی همواره باز است از نظر جزایی نیز باید قائل به تعقیب باشد در این خصوص می تواند مقام مذکور را بعنوان مجرم سیاسی و یا عادی مورد تعقیب قرار داد. برابر اصل ۱۴۰ قانون اساسی رسیدگی به اتهام رئیس جمهوری در مورد جرایم عادی یا اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه عمومی دادگستری انجام می شود.

^۱ - اصل ۱۲۲ قانون اساسی

^۲ - اصل ۱۴۲ قانون اساسی

بخش دوم: مسئولیت قانونی ریاست جمهوری

قانون اساسی وظایف و اختیارات رئیس جمهور را به تفکیک مشخص کرده است. رئیس جمهور علاوه بر مسئولیت سیاسی خود، در برابر قوه قضائیه نیز مسئول است در این خصوص دیوان عالی کشور می تواند رئیس جمهور را به خاطر تخلف از وظایف قانونی، محاکم نموده و در صورت محکومیت عزل وی را به مقام رهبری پیشنهاد نماید.^۱ به موجب ماده ۱۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵، ۸۰۲۲، رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است.

بند اول: قوای عمومی در قانون اساسی

نظریه تفکیک قوا در طول تاریخ تمدن بشر توسط نظریه پردازان متعددی عرضه شده که بعنوان یک اصل اصیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش واقع شده که تبیین کننده اصلی شکل حکومت در کشور ایران است نظر به اینکه هدف از تفکیک قوا جلوگیری از استبدادات و راه همزیستی دو نظام (نظام اسلامی و نظام تفکیک قوا) است. در همین راستا استقلال هر قوه، جایگاه آن در قانون اساسی و نهایتاً تعامل قوا در بطن قانون اساسی را تشریح می نماییم.

بند دوم: جایگاه قوه مجریه (دولت) در قانون اساسی

جایگاه قوه مجریه (دولت) در ۲ معنای خاص و عام تلخیص می گردد:^۲

دولت در معنای خاص: به مدیران کشور گفته می شود و سازمان های اجرایی را در بر می گیرد. دولت در معنای عام: مرادف حکومت است و شامل تمام سازمان های اداری،

^۱ - اصل ۱۱۰ قانون اساسی

^۲ - کاتوزاین، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ص ۴۵

قضایی و قانونگذاری می شود و وصف بارز آن حاکمیت و سلطه در روابط بین الملل است در حقوق اساسی، دموکراسی های معاصر، بر اساس چگونگی روابط مردم با قوه مجریه، اقسام خاصی دارد:

اگر مردم مستقیماً رئیس جمهور را برای اداره دولت انتخاب کنند آن را «مجریه ریاستی»^۱ گویند. مثال بارز سیستم تجدید ریاستی دولت امریکا است که رئیس جمهور منتخب مردم است. اعضای دولت را مستقل از پارلمان انتخاب و به نمایندگی از طرف ملت، قوه مجریه را اعمال می نمایند. اگر دولت توسط نمایندگان مردم (پارلمان) تعیین گردد و با ماموریت و مسئولیت کامل در مقابل مجلس نمایندگان، به ایفا وظایف اجرای کشور می پردازد چنین نظامی که در سویس مجری است را مجریه وابسته گویند^۲ این نظم که در نظام جمهوری اسلامی ایران برابر اصل ۱۱۴ قانون اساسی، رئیس جمهور مستقیماً توسط مردم انتخاب می شود را نظام ریاستی و از آن جهت که دولت (وزرا) از طرف رئیس جمهوری پیشنهاد می شود و مورد تایید مجلس قرار می گیرند را پالمانی گویند که آن را نیز پارلمانی یا نیمه ریاستی می شناسند.

بند سوم: جایگاه قوه مقننه در قانون اساسی

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظم تک مجلسی^۳ است انتخاب نظام تک مجلسی بدین صورت قابل توجیه است که در کشور ما مطلق ملت، صرفنظر از هر گونه تمایز طبقاتی، قبیله ای و نژادی^۴ مدنظر در قانون اساسی می باشد. بنابراین قبول قوه مقننه

^۱ -Excutif preesidentiel

^۳ - اصل ۱۹ قانون اساسی

^۴ - حقوق شهروندی، معاونت آموزشی قوه قضائیه، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۸، ۱۸۵

تک مجلسی را باید ناشی از یکپارچگی ملت و حقوق مساوی بدانیم. علی‌رغم مراتب مذکور، قوه مقننه کشور ما چندان بسیط و ساده نیست زیرا بنابر ملاحظات شرعی، سیاسی و اساسی، این نهاد مرکب از ۲ رکن کاملاً متمایز مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل می‌گردد و بدون موجودیت و اشتراک مساعی آنها اعمال قوه مقننه مسیر نمی‌باشد.

علیحال قوه مقننه نظامی تک مجلس و در عین حال دو رکعنی است که هر یک از ارکان با وظایف خاص خود اقدام می‌نماید قوه مقننه مرکب از ۲۹۰ یا حداقل ۱۸۰ نماینده ملت است تصمیم‌گیری در حین مجلس وسیعی ممکن نیست مگر اینکه رسیدگی‌های مقدماتی و کارشناسی انجام گیرد که تحت عنوان کمیسیون شناخته می‌شود.

قوه ی مقنه در نظام جمهوری اسلامی ایران مهمترین رکن تصمیم‌گیری است که مقررات و مواد آن در فصل ۶ قانون اساسی مقرر گردیده است که در ادامه به بررسی تعامل و استقلال این قوه با سایر قوا می‌پردازیم.

بخش سوم: جایگاه و استقلال قوه قضائیه در قانون اساسی

برابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه قوه ایست مستقل که پشتیبان حقوق فردی، اجتماعی، و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت ... است.

با این اصل، موقعیت قوه قضائیه مستلزم استقلال آن است.

موقعیت قوه قضائیه: قوه قضائیه مرجعی است که با صدور احکام گوناگون، مرتباً در حال احقاق حق عام و بر طرف کردن ناهنجاری است حرکت مدام و مستمر قوه قضائیه موجب می‌شود که ظغیان گران سرجای خود بنشینند، مظلومین هستی مادی و معنوی خود را بیابند. قوه قضائیه مرجعی است که قضاات می‌توانند به اعتماد احکام مستند و مستدل حق را بر مسند حقه بنشانند به طور کلی اقدامات خطیر قوه قضائیه ۴ اثر عمده ترزیق می‌کند:

۱. متجاسرین را مرغوب و از بیم عقوبت فکر جسارت را زدو می زنند
 ۲. امنیت و آزادی را تضمین و استعداد را پرورش می دهد
 ۳. رضایت خاطر تامین و روابط سازنده تضمین می گردد
 ۴. افراد جامعه با ملاحظه احکام، قدرت معنوی و فطری خود را می یابند
- ماحصل تدابیر فوق تحقق عدالت نامیده می شود

خطیر بودن امر قضات تا آن حد است که از جمله حقوق الهی به شمار می رود چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم موصوف به «خیر الحاکمین»^۱ و «احکم الحاکمین»^۲ می باشد

بخش چهارم: لزوم استقلال قوه قضائیه

حساسیت قوه قضائیه و قضات چنان استقلالی را می طلبد که با استقلال عمل سیر دستگاههای عمومی تفاوت کلی و اصولی دارد گرافه نیست بگوییم که یکی از ارکان استقلال ملت رکن مهم استقلال قضایی است که در ۲ بعد تشکیلاتی و رفتاری تفسیر می گردد.

در فصول فوق به طور مجزا استقلال، جایگاه و انفکاک هر قوه ای ترسیم گردید. علیهذا در نوشتار آتی به بحث تداخل صلاحیت ها و لزوم تعامل بین قوا به منظور نیل به توسعه ی قانونی پرداخته می شود.

بخش پنجم: مراحل صلاحیت های قوای ۳ گانه

اصطلاح «حاکمیت در دولت»^۳ با اصطلاح «حاکمیت»^۱ متفاوت است.

^۱ - یونس - ۱۰۹

^۲ - هود - ۴۵

^۳ - souverainete dans

منظور از حاکمیت در دولت همان قوای ۳ گانه حاکمند که به حکم اصل ۵۷ قانون اساسی از یکدیگر تفکیک شده اند و منظور از حاکمیت دولت، نظام جمهوری اسلامی ایران است که قوای حاکم در آن با اعمال قدرت اهداف نظام را تامین می کند. مفهوم تفکیک قوا در برابر وحدت قوا قرار می گیرد این تفکیک منشا پایداری سازمان های حاکم عدیده شخصی می گردد که هر کدام به انجام وظیفه خاص خود مشغولند به طوریکه هیچ کدام از قوا وظیفه قوی دیگر را ندارد نظریه تفکیک مطلق قوا را دیگر نمی توان در مضموم مطلق آن جست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تدوین قوای ۳ گانه، علاوه بر توجه به ضرورت همکاری قوا برای تامین اهداف کلی نظام، اثر اندیشه مذکور به دور نبوده و مراقبتی از ارتباط متقابل، و توأم با نظارت، مسئولیت بین قوای حاکم بر پیش بینی نموده است که بطور خلاصه انتشار میگردد:

بند اول: اقتدار و تعامل قوه مقننه بر مجریه

قوه مقننه بطرق مختلف بر موجودیت و فعالیت قوه مجریه نظارت دارد:

۱. وزرا، وقتی صلاحیت و رسمیت می یابند که اکثریت نمایندگان مجلس تنفیذ نمایند و در دوران تصدی معلق به رای اعتماد مجلس هستند.
۲. اعضا قوه مجریه در مقابل قوه مقننه مسئولند
- بنابر اصل ۸۸ قانون اساسی هر نماینده می تواند یک وزیر و یک چهارم نمایندگان می توانند رئیس جمهور را مورد سوال قرار دهند و برای پاسخگویی به مجلس احضار نمایند.
۳. مجلس شورای اسلامی بر کارهای دولت نظارت استصوابی^۲ و نظارت مالی^۱ اعمال می گردد

^۱ Souverainete de

^۲ - اصل ۷۷ تا ۸۳ قانون اساسی

بند دوم: اقتدار و تعامل قوه مجریه بر مقننه

با آنکه قوه مجریه تحت تسلط کامل قوه مقننه است قوه مجریه هم نسبت سهم خود بر قوه مقننه نفوذ دارد اعمالی که به طور ضمنی اقتدار در عین تعامل قوه ی مجریه را می رساند به اختصار مطرح می گردد:

۱. ابتکار تهیه لوایح با دولت است که بعد از تصویب آنرا تقدیم مجلس می کند^۱ تسلط دولت به تهیه مقررات از یک طرف و عدم آشنایی کامل و متخصص نمایندگان به مفاد لایحه از طرف دیگر منجر به اعمال نيات دولت در لوایح میگردد بدون آنکه مجلس نسبت به اکثر انها مخالفت جدی کند.
۲. قوانین به ذکر کلیات می پردازند و جزئیات را موکول به آیین نامه های اجرایی می نمایند علاوه بر آن برابر اصل ۱۳۸ قانون اساسی دولت و وزرا حق تصویب آیین نامه های مستقل را نیز دارند

بند سوم: اقتدار قوه ی قضاییه بر قوه مجریه

قوه مجریه در برابر قوه قضاییه مصون نیست برای اثبات این ادعا مستندات زیر را تجویز می کنیم:

۱. قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف قوانین ومقررات اسلامی یا خارج از اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا می کند.

^۱ - اصل ۵۲ تا ۵۴ قانون اساسی

^۲ - اصل ۷۴ قانون اساسی

۲. دیوان عدالت اداری بعنوان بخشی از قوه قضائیه دارای تشکیلات وسیعی است که می‌تواند از هر جهت، قوه مجریه را به محاکمه بکشاند این اقتدار دولت را ازمصونیت خارج و حق تنظیم و دادخواهی را به مردم اعطا میکند.

۳. یکی دیگر از مظاهر اقتدار قوه قضائیه بر مجریه سازمان بازرسی کل کشور است که به منظور حسن جریان امور و اجرایی صحیح قوانین در دستگاه اداری به نظارت می‌پردازد که با اختیارات قانونی خود موسسات دولتی را تضعیف می‌کند.

۴. کارگزاران دولت از هیچ گونه مصونیتی برخوردار نیستند زیرا رسیدگی به اتهام رئیس جمهوری و معاونان و وزیران در مورد جرایم عادی یا اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

دیوان عالی کشور حق محاکمه رئیس جمهور را به خاطر تخلف وی از وظایف قانونی را داراست

بند چهارم: اقتدار و نفوذ قوه مجریه بر قضائیه

بر عکس قوه قضائیه که از جهاد مختلف، نسبت به قوه مجریه نفوذ و اقتدار کامل دارد که راه هر گونه جهت گیری و اعمال نفوذ از طرف قوه مجریه به روی قوه قضائیه است. البته برابر اصل ۷۴ قانون اساسی لوایح قانونی که پس از تصویب هیئت وزیران، تقدیم مجلس می‌شود و بودجه قوه قضائیه که در مجموع بودجه ی سالانه کل کشور توسط دولت تهیه می‌گردد می‌توانند زمینه موثری در نفوذ قوه مجریه بر قوه قضائیه به حساب می‌آید. در مراتب فوق استقلال، جایگاه اقتدار مستقل قوا مورد بحث واقع شد حال بر آنیم که در سایه تفکیک قوا بر اصل تعامل قوا که زیر بنای توسعه کشوری است تجسس

کنیم. به منظور تعامل بین قوا باید به اصطلاح نو « هویت قوه ای » اشاره کنیم

بند پنجم: هویت فرا قوه ای

امروزه در سطح ملی و بیت المللی بسیاری از تعاملات، فرصت ها که باید خلق گردد هویت فرا قوه ای دارد تا جاییکه وحدت ملی منوط به همکاری سه قوه است رشد معنویت در سطح ملی، ایجاد پیشرفت، تبعیت قانونگرایی، رشد مکارم انسانی در گرو همکاری و تعاون قوای سه گانه است دفع آفات اداری، سالم سازی محیط از قبل مبارزه با رشوه، دزدی، فقر، بی سوادی وضعیتی فرا قوه دارند که این مهم در قالب استقلال تک قطبی قوا میسر نیست تا جائیکه مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین قضایی خاطر نشان کردند:

«همکاری و همدلی قوا یک فریضه است»^۱

مقام معظم رهبری مبنای وحدت و حاکمیت کشور را قانون اساسی و جمهوری اسلامی می داند. قوای حاکمه در جمهوری اسلامی ایران زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت است بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردد^۲ قوای عمومی در عین استقلال، قرابت ملی دارند که منجر به تولد «حاکمیت» می گردد در اصل ۵۶ قانون اساسی حاکمیت ملی و مردمی بدین ترتیب تضمین شده که: هیچ کس نمی تواند حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع خود دیگر یا گروهی خاص گذارد بدان معنا که حاکمیت مردم موجب موهبت الهی است که هیچ کس حق سلب آنرا ندارد چرا که سلب حاکمیت عمل غاصبانه ای است که در برابر آن باید ایستادگی کرد در بین نصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میان قوا در هم تنیدگی خاص برقرار است که هیچ قوه ای بدون سایر کامل نیست.

نتیجه گیری

^۱ - زراعی، اسدله، مجلسه اندیشه سیاسی، یکشنبه، ۲۸ مهر ۹۵، ص ۱.

^۲ - اصل ۵۷ قانون اساسی

از مجموع مطالب کلی فوق، اصول بنیادین و اساسی مقرری مشهود است که مقننین توسعه یک حکومت را در سایه قانون اساسی و تعامل قوا تجویز میکند صرفنظر از اصل تفکیک و استقلال قوا در قبال یکدیگر، تعامل در جوار تعارض ممکن نیست دولت خواه به معنی خاص یا عام آن اداره شود یک شخصیت حقوقی است یعنی دارای یک ماهیت اعتباری ست دارای صلاحیت ویژه ای جدا و مستقل از اعضا آن است ولی در واقع دولت نماینده یا اندامی از پیکر دولت هستند^۱ چرا که تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که موجب قانون اساسی یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود در تعیین ماهیت دولت عقاید متفاوتی وجود دارد گروهی شخصیت ملت را ادغام شده در دولت می دانند و دولت نمودار ملت شخصیت یافته می داند و گروهی دیگر ملت را در برابر دولت دارای شخصیت حقوقی می پندارند و به نوعی حاکمیت را از آن دولت می دانند. مفهوم دولت حقوقی آخرین مرحله سیر اندیشه ها درباره فلسفه حقوق است و در آخر می توان مفهوم دولت را در قالب یک جمله تفسیر کرد:

مفهوم دولت در معنای قانونی مقننه به این صورت ترسیم شده است که دولت قدرت سازمان یافته حقوقی به منظور اجرای عدالت و انجام دادن خدمات عمومی است. در این تعریف صرفنظر از ۲ عنصر قدرت و خدمت به سازمان یافتگی حقوقی تمرکز شده است بیگمان لازمه ی تشکیل دولت مردمی با هدف مشترک در سرزمینی مستعد فرم سیاسی یابند و به بیان دیگر « کشور » شوند همانطور که دکتر روحانی صریحانه ابزار کردند: استقلال قوا به معنای جزیره ای شدن قوا نیست.^۲

^۱ - کاتوزیان، ناصر، میانی حقوق عمومی، تهران نشر میزان، پاییز ۱۳۸۳، ص ۵۱

^۲ - مجله ایرنا، شنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۷، ص ۱

منابع و مأخذ

۱. حقوق شهروندی، معاونت آموزشی قوه قضائیه، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸
۲. زارعی، اسداله، مجله اندیشه سیاسی، ۱۳۹۵.
۳. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷
۵. لنگرودی، محمد جعفر جعفری، ترمینولوژی حقو، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸
۶. نهج البلاغه، ترجمه محمد رشتی، قم، ۱۳۹۲
۷. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷